

متن پرسش

استاد عزیز سلام: از پاسخگویی شما سپاسگزارم، اما برای سوالم ۳ موضوع حل نشد لطفا توضیح بیشتری در ارتباط با سوال ۱۰۷۰۵ بفرمایید. ببخشید که مجبورم سوال را تکرار کنم. موضوعات حل نشده را شماره گذاری می‌کنم. در تمامی این حرفها منکر نظارت خدا بر زندگی خود نیستیم اتفاقا چون خدا را شاهد مشکلات می‌بینیم توقع ما عوض می‌شود که چرا پاسخی نمی‌گیریم. و اتفاقا کلید حل مشکل را در دست خدا می‌دانیم قضیه ما تغییر می‌کند. ۱- حالا در بحث روانشناسی مثلا کتاب اسکاول شین که یک فرد مسیحی آن را نوشته و کشیش هم هست برای گرفتارها ادبیات خاص خودش را دارد و قوانینی را وضع کرده که اتفاقا جوابدهیش بهتر از این روایات است مثلا برای رفع بیکاری می‌گوید هر روز این جمله را تکرار کن من کاری دارم عالی با موقعیت عالی با خدمتی عالی برای پاداش عالی. یا نمونه دیگرش که برای درست شدن اوضاع و شرایط است می‌گوید بگویند تنها آنچه برای خدا حقیقت دارد برای من حقیقت دارد زیرا من و پدر یکی هستیم. خوب جالب اینجاست که شما با گفتن این کلمات مشکلتان حل می‌شود. نگویند هر مشکلی زمانی دارد و در واقع چون زمان آن به اتمام رسیده مشکل حل شده و ربطی به این کلمات ندارد اگر قرار باشد آنچه که بر اساس روایات به ما رسیده قطعیت نداشته باشه خوب از کجا معلوم شاید اگر فرد این کلمات را نمی‌گفت مشکلس حل نمی‌شد؟ در حالیکه با اذکاری که در روایات هست مشکلس حل نشده؟ بحث تلقین در کار نیست چون وقتی فردی گرفتار می‌شود با امید اجابت در خانه اهل بیت را می‌زند و نذر و نیاز می‌کند و با اعتقاد کامل سوی آنها می‌رود حالا که جواب نگرفته عجله ای هم نداشته صبر هم در حد وسع خود داشته به نتیجه نرسیده به سراغ دعا و ذکر و این جور مسائل می‌رود. (این موضوع با قضیه بازخوانی که فرمودید زیاد منطبق نیست) ۲- یا اذکاری مثل صلوات و تسبیحات از کجا معلوم ثواب آنچه که گفته شده شامل همه بشه مثلا با گفتن ذکر صلوات ترازوی اعمال سنگین می‌شود خوب از کجا معلوم؟ کتاب شرح معاد را می‌خوانیم اما از کجا معلوم این روایات برای همه صادق باشد؟ مثلا حجت الاسلام انصاریان در یکی از سخنرانیهای خودش می‌گفت فرد گنهکاری با دادن تکه ای گوشت به ماده سگی آمرزیده شده و اینچنین از سعه رحمت وجود خدا صحبت می‌کرد خوب ما کدام را بپذیریم، درست است شاید چنین فرصتی به ما داده نشه که با رحم به یک سگ ما هم عاقبت بخیر بشیم ولی از کجا معلوم مباحث شما در معاد و کتب دیگر که قطعا شرح و تفصیل آیات و روایات است درست باشد؟ شاید مباحث شما هم نسبی باشد برای عده ای اتفاق بیفتد و برای عده ای خیر!!! یا کتب دینی دیگری که داریم از کجا معلوم برای ما صدق کند چرا باید برای احتمالات اینقدر به خودمون

رنج و زحمت بدهیم که مثلا شاید شامل ما بشود؟؟؟ ۳- از کجا معلوم که اتفاقات زندگی ما بر اساس شانس و تقدیرات و تصادف نباشد؟ هر چند احتیاط شرط عقل است اما ضرورتش چیه؟ که شاید بشود شاید نشود باور کنید عقل من هیچ احتمالی را پذیرا نیست و نمی پذیرد، چون یک مسیحی از ائمه ما کرامت می بیند حاجت می گیرد اما یک شیعه نه، خوب اون مسیحی برتر از شیعه است؟ (این هم به نظرم به نظرم با فرمایش شما همخوانی ندارد) لطفا هر ۳ موضوع را بسط دهید. پیشاپیش از لطفتان ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ابتدا باید متوجه توحید و معارف توحیدی در این تاریخ بشویم و در ذیل آن زندگی خود را معنا کنیم. اگر رسیدیم به این که در این تاریخ خداوند از طریق حضرت محمد «صلوات الله علیه وآله» و قرآن کریم با ما سخن می گوید و در راستای اعتقاد به قرآن متوجه اهل البیت «علیهم السلام» بشویم می توانیم از این سؤال ها و شک هایی که کرده اید آزاد شویم. بحث اصلی هر انسانی این است که آیا ما راهی به سوی خداوند داریم یا نه؟ قرآن نشان می دهد که معجزه ای است جهت اثبات این موضوع. اگر این برایتان حل نشود همواره سرگردان خواهید بود و می مانید چرا خدا جواب ما را نمی دهد. موفق باشید